English

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

Prospect 3

English for Schools
PROSPECT 3

Junior Secondary Program

910



Photo Dictionary

Prospect 3

Grade 9

باسمه تعالی

مقدمه

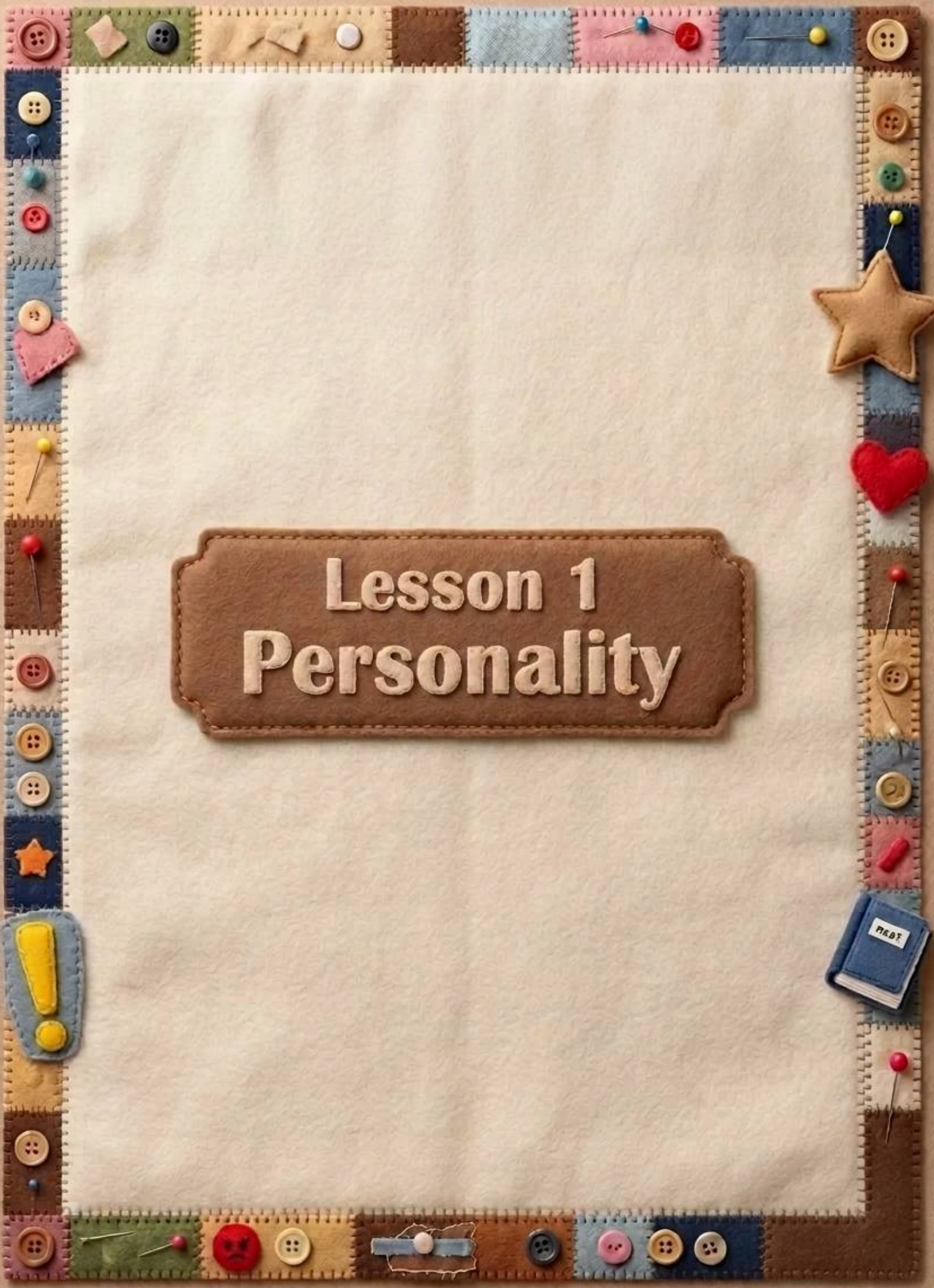
آموزش واژگان، یکی از مهم‌ترین ارکان یادگیری زبان انگلیسی است. تجربه نشان داده است که هرچه واژه‌ها در بستری معنادارتر و همراه با تصویر ارائه شوند، ماندگاری آن‌ها در ذهن زبان‌آموزان بیشتر و فرآیند یادگیری عمیق‌تر خواهد بود. کتاب Prospect 3 پایه نهم با بهره‌گیری از تصاویر هدفمند و جذاب، گامی مؤثر در این مسیر برداشته است. برهمین‌اساس، کتاب حاضر با عنوان فتودیکشنری ویژه Prospect 3 با هدف تقویت یادگیری واژگان و افزایش جذابیت فرآیند یادگیری واژگان تدوین شده است.

در این مجموعه، تمامی واژگان کتاب درسی به‌صورت درس‌به‌درس و با رعایت شماره صفحات کتاب اصلی گردآوری شده‌اند تا دانش‌آموزان بتوانند به‌راحتی و با نظم ذهنی بهتر، واژگان هر درس را مرور و تثبیت کنند. این کتاب همچنین می‌تواند منبعی کاربردی برای دبیران محترم زبان انگلیسی باشد؛ به‌ویژه در تولید محتوای آموزشی، طراحی فعالیت‌های کلاسی، و تهیه انواع سوالات تمرینی و ارزشیابی.

امید است این اثر بتواند گامی مؤثر در جهت ارتقای کیفیت آموزش زبان انگلیسی در پایه نهم بردارد و تجربه‌ای شیرین‌تر و ماندگارتر از یادگیری واژگان برای دانش آموزان فراهم سازد.

دبیرخانه کشوری کیفیت بخشی به آموزش زبان انگلیسی

مولفین: ثریا حیدری - سیدیوسف‌سواعدی


Lesson 1
Personality

Lesson 1
Personality



an angry kid یک بچه عصبانی



a brave soldier یک سرباز شجاع



a careless man یک مرد بی‌دقت



a cruel boy یک پسر زورگو/ظالم



a funny story یک داستان خنده‌دار



a neat person یک شخص مرتب

Lesson 1
Personality



a nervous boy یک پسر استرسی/مضطرب



a quiet place یک مکان آرام



a rude kid یک بچه گستاخ/بی‌ادب



a selfish person یک شخص خودخواه



a hard-working worker یک کارگر سخت‌کوش

Lesson 1
Pesonality



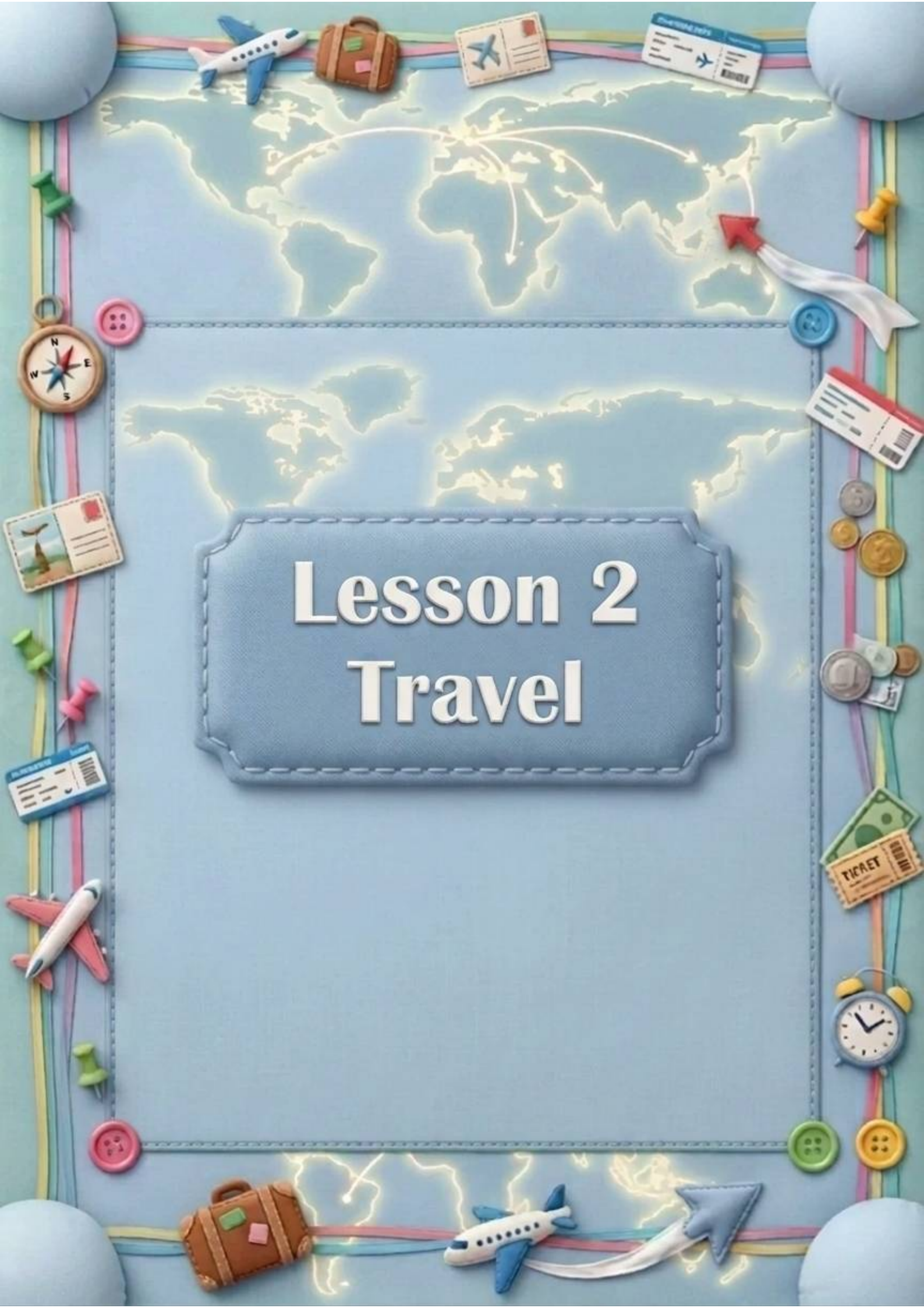
a lazy person یک شخص تنبل



a shy girl یک دختر خجالتی



a generous girl یک دختر بخشنده


Lesson 2
Travel

Lesson 2
Travel



خریدن بلیط

buy a ticket



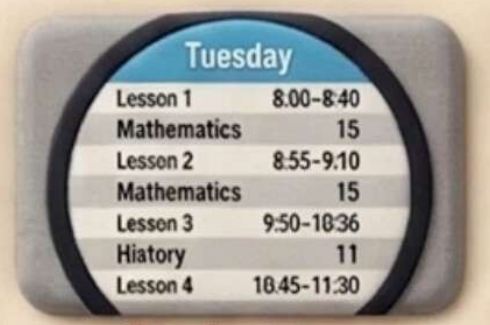
کنترل کردن پاسپورت

check the passport



انجام پذیرش در هتل

check in



بررسی جدول زمانی

check the timetable



بلند شدن هواپیما از زمین

take off



تبدیل کردن پول

exchange money

Lesson 2
Travel



رزرو اتاق در هتل

book a hotel



پر کردن فرم

fill out a form



صحبت با مسئول پذیرش

talk to a receptionist



بستن چمدان یا ساک برای سفر

Pack for a trip



تحویل گرفتن بار (در فرودگاه)

baggage reclaim



وزن کردن چمدان

weigh the baggage

Lesson 2
Travel



رفتن به سفر دریایی

make a voyage



سوار شدن به هواپیما

board the plane



پرداخت عوارض

pay toll



سفر با قطار سریع‌السیر

take an express train




Lesson 3
Festivals &Ceremonies

Lesson 3
Festivals &Ceremonies



درست کردن ناهار/شام

make lunch/dinner



پختن کیک

bake a cake



چیدن میز

set the table



خواندن سرود ملی

sing the national anthem



برگزاری یک مراسم

hold a ceremony



تمیز کردن میز

clear the table

Lesson 3
Festivals &Ceremonies



خواندن اشعار حافظ

read poems of Hafez

تماشای آتش بازی

watch fireworks



بیرون رفتن در روز طبیعت

go out on Nature Day



پوشیدن لباس‌های مخصوص

wear special clothes



تماشا کردن رژه نظامی

watch military parade



جشن گرفتن تعطیلات مذهبی

celebrate a religious holiday

Lesson 3
Festivals &Ceremonies



بزرگداشت شهدای هسته‌ای

commemorate NE martyrs



فرهنگ ایرانی-اسلامی

Islamic-Iranian culture



Islamic revolution anniversary - سالگرد انقلاب اسلامی

* NE: Nuclear Energy - انرژی هسته‌ای





Lesson 4
Services









Lesson 4
Services



get on a bus

سوار اتوبوس شدن



get off a bus

پیاده شدن از اتوبوس



take out money from an ATM

برداشت پول از خودپرداز



send an e-mail

ارسال کردن ایمیل



hire a taxi

تاکسی گرفتن



open an account

حساب باز کردن

Photo Dictionary

Lesson 4
Services





put out fire
خاموش کردن آتش





recharge your E-ticket
شارژ مجدد بلیط الکترونیکی





call the emergency (115)
تماس با اورژانس





ask the information desk
پرسیدن از بخش اطلاعات





donate blood
اهدای خون





do voluntary work
انجام کار داوطلبانه

Lesson 4
Services



help charity

کمک به خیریه



bring to the ER*

انتقال به اورژانس



keep the city clean

تمیز نگه داشتن شهر

* ER: Emergency Room
اتاق اورژانس (بخش اورژانس)

Lesson 5
Media

Photo Dictionary

Lesson 5
Media



مصاحبه کردن با کسی

interview somebody



نوشتن یک پیام

text a message



دریافت یک ایمیل

receive an e-mail



به روزرسانی یک وبلاگ

update a blog



شرکت کردن در یک دوره آنلاین

participate in an online course



وصل شدن به اینترنت

connect to the Internet

Lesson 5
Media



download something from the internet

دانلود چیزی از اینترنت



attend a TV program

شرکت کردن در یک برنامه تلویزیونی



use IT

استفاده از فناوری اطلاعات



install a computer dictionary

نصب یک دیکشنری کامپیوتری



look at the newsstand

نگاه کردن به دکه روزنامه فروشی



watch a quiz show

تماشای یک مسابقه تلویزیونی

Lesson 5
Media



see a war movie
دیدن یک فیلم جنگی



change the TV channels
عوض کردن کانال‌های تلویزیون



نصب یک برنامه ضد ویروس
install an antivirus program

Lesson 6
Health and Injuries

Lesson 6
Health and Injuries



سر او به در خورد.

He hit his head on the door.

دست او سوخت.

She burned her hand.



در حال خونریزی کردن است.

It is bleeding.



پای او شکست.

He broke his leg.



چسباندن/قرار دادن چسب روی زخم

Stick/put a plaster on the wound.



خیلی درد می‌کند.

It hurts a lot.

Lesson 6
Health and Injuries



زانوی من آسیب دید.

I hurt my knee.



او انگشتش را برید.

She cut her finger.



او از بچه‌اش مراقبت می‌کند.

She takes care of her child.



او مقداری کبودی دارد.

He has some bruises.



چشمش کبود است.

He has a black eye.



او با ماشین تصادف کرد.

He had a car crash.

Lesson 6
Health and Injuries



او حمله قلبی داشت.

She had a heart attack.



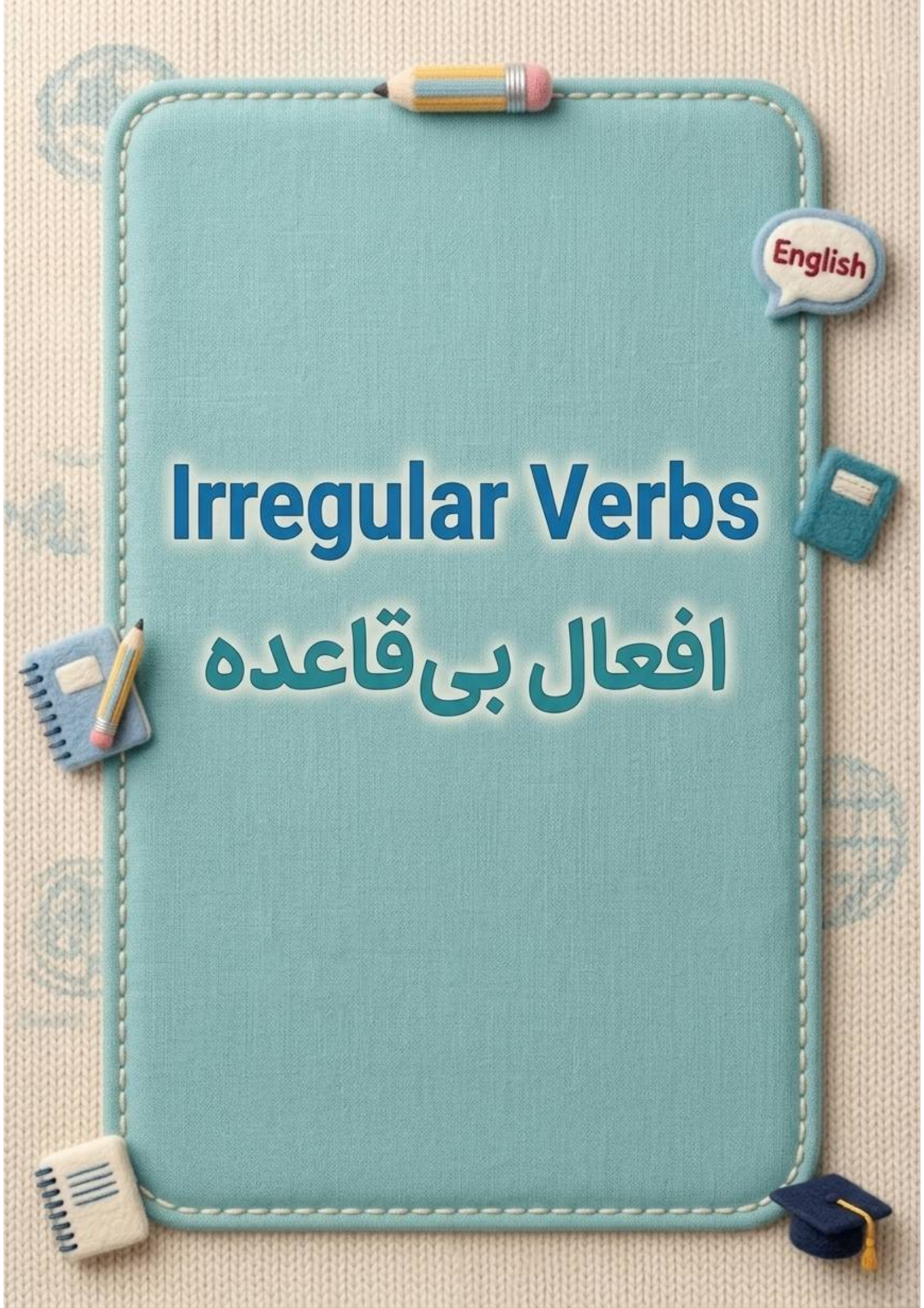
او جای زخم دارد.

He has a scar.



او پایش را گچ گرفته.

He has his leg in a cast.


English
Irregular Verbs
افعال بی‌قاعده

افعال بی قاعده
Irregular Verbs

1

English

Verb فعل	Past form گذشته	معنی مصدری
be	was/were	بودن
become	became	شدن
bleed	bled	خون ریزی کردن
break	broke	شکستن
bring	brought	آوردن
build	built	ساختن
buy	bought	خریدن
choose	chose	انتخاب کردن
come	came	آمدن
cut	cut	بریدن
do	did	انجام دادن
draw	drew	نقاشی کردن

افعال بی قاعده
Irregular Verbs

2

English

فعل Verb	گذشته Past form	معنی مصدری
drink	drank	نوشیدن
drive	drove	رانندگی کردن
eat	ate	خوردن
fall	fell	افتادن
feed	fed	غذا دادن
feel	felt	احساس کردن
find	found	پیدا کردن
forget	forgot	فراموش کردن
get	got	گرفتن
give	gave	دادن/واگذار کردن
go	went	رفتن
have	had	داشتن

افعال بی قاعده
Irregular Verbs

3

English

فعل Verb	گذشته Past form	معنی مصدری
hear	heard	شنیدن
hit	hit	ضربه زدن
hurt	hurt	صدمه زدن
keep	kept	نگه داشتن
know	knew	دانستن
leave	left	ترک کردن
lose	lost	گم شدن
make	made	ساختن
meet	met	ملاقات کردن
pay	paid	پرداختن
put	put	گذاشتن
read	read	خواندن

افعال بی قاعده
Irregular Verbs

4

English

فعل Verb	گذشته Past form	معنی مصدری
ride	rode	سوار شدن
run	ran	دویدن
say	said	گفتن
see	saw	دیدن
set	set	تعیین کردن
sell	sold	فروختن
send	sent	فرستادن
sing	sang	آواز خواندن
sit	sat	نشستن
sleep	slept	خوابیدن
speak	spoke	صحبت کردن
stand	stood	ایستادن

افعال بی قاعده
Irregular Verbs

5

English

فعل Verb	گذشته Past form	معنی مصدری
stick	stuck	چسباندن
swim	swam	شنا کردن
take	took	بردن/حمل کردن
take off	took off	پرواز کردن (هواپیما)
teach	taught	یاد دادن
tell	told	بیان کردن
think	thought	فکر کردن
understand	understood	فهمیدن
wake up	woke up	بیدار شدن
wear	wore	پوشیدن
write	wrote	نوشتن

با سپاس

منتظر کارهای بعدی ما باشید.

اردیبهشت ۱۴۰۵